



درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: مسئله اول

تاریخ: ۲۰ مهر ۸۹

موضوع جزئی: امکان وجوب شرعی در ابدال ثلاثه

مصادف با: ۴ ذی القعدة ۱۴۳۱

جلسه: ۱۳

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث در امکان وجوب شرعی اجتهاد و تقلید و احتیاط بود. در مورد امکان وجوب شرعی گفته شد که دو قول وجود دارد، قول اول این بود که وجوب شرعی در اینجا امکان ندارد. قائلین به این قول هر کدام دلیلی برای این قول ذکر کرده‌اند. دلیل اول ذکر شد که بعضی گفته‌اند وجوب شرعی ابدال ثلاثه مستلزم تسلسل است و تسلسل باطل و محال است، بنابراین وجوب شرعی امکان ندارد. در مورد تسلسل این چنین می‌گویند که اگر گفته شود برای وصول به احکام و دسترسی به احکام اجتهاد یا تقلید یا احتیاط واجب باشد معنایش این است که این سه عنوان خود یک واجب شرعی می‌باشد، وجوب شرعی اگر برای این سه عنوان ثابت شد خود یک حکم است که به این حکم اگر بخواهیم دسترسی پیدا کنیم باز باید یا از راه احتیاط یا اجتهاد یا تقلید وارد شویم. چون فرض این است که این سه راه، راهای وصول ما به حکم شرعی هستند. باز نقل کلام می‌شود به آن وجوبی که به این سه متعلق شده است، خوب آیا این تسلسل الی ما لانهاية له نیست؟ این تسلسل است و باطل است، لذا ما اصلاً نمی‌توانیم قائل به وجوب شرعی بشویم.

اشکال مرحوم آیت الله فاضل بر دلیل اول:

اینجا بر این دلیل بعضی از بزرگان اشکال کرده‌اند، آیت الله فاضل اشکال کرده‌اند که این موجب تسلسل و انتهای بما لا نهاية له نیست. می‌گویند روشن است که این موجب تسلسل نیست، برای اینکه هیچ مشکلی ندارد که این حالات سه گانه در این تکلیف هم جاری شود. یعنی این ادامه پیدا نمی‌کند و در یک حدی متوقف می‌شود، وقتی که در مرحله اول می‌گوییم واجب است اجتهاد و تقلید و احتیاط و خود وجوب که یک حکم شرعی است هیچ مشکلی ندارد که در مورد این وجوب شرعی این سه هم یا احتیاط کنیم یا تقلید کنیم یا اجتهاد کنیم و دیگر ادامه پیدا نمی‌کند.^۱

پاسخ: اما به نظر ما این فرمایش یک مقدار مبهم است، اینکه هیچ مانعی ندارد که این حالات سه گانه یعنی اجتهاد یا تقلید یا احتیاط در خود این تکلیف جاری شود یعنی چه؟ یعنی ما در وهله اول می‌گوییم احتیاط یا تقلید یا اجتهاد واجب^۲ بالوجوب الشرعی، سخن در این بود این وجوب شرعی به عنوان یک حکم چگونه و از چه راهی بدست می‌آید باز باید

^۱ تفصیل الشریعه، (اجتهاد و تقلید)، ص ۴.

بگویم خود این وجوب شرعی این سه از راه خود این سه یعنی اجتهاد یا احتیاط یا تقلید بدست بیاید. بالاخره خود اجتهاد یا تقلید یا احتیاطی که برای ما وجوب شرعی اجتهاد و تقلید و احتیاط را می‌خواهند ثابت کنند خود آنها چه حکمی دارند؟ آیا لزومی دارد شرعاً که ما وجوب شرعی این سه تا را از راه احتیاط یا اجتهاد یا تقلید ثابت کنیم؟ اگر بگوئید شرعاً لازم نیست، خوب این نقض غرض است و اگر بگوئید شرعاً لازم برای استفاده حکم ابدال ثلاثه لازم نیست یعنی ما باید یا اجتهاد یا تقلید یا احتیاط کنیم برای اینکه بفهمیم که اجتهاد و تقلید و احتیاط واجب شرعاً أم لا؟ اگر بگوئید واجب شرعاً تسلسل پیش می‌آید و اگر بگوئید واجب عقلاً خوب اینکه اثبات وجوب شرعی نمی‌کند لذا به نظر می‌رسد این اشکال و پاسخ به این دلیل تسلسل قانع کننده نیست. بالاخره در خود این حکمی که می‌خواهد در مرحله بعد روشن کند بحث داریم که واجب است شرعاً یا نه؟ لذا به نظر می‌رسد این دلیل تسلسل دلیلی است که تا حدی قابل قبول است.

دلیل دوم بر عدم امکان وجوب شرعی ابدال ثلاثه:

مرحوم آیت الله خوئی می‌فرماید^۲ این وجوب شرعی از سه حال خارج نیست:

- یا وجوب نفسی است.
- یا وجوب طریقی است.
- یا وجوب غیری است.

اگر ما نتوانیم اثبات کنیم که این وجوب نفسی یا غیری یا طریقی است، احتمال چهارمی که در کار نیست اگر امکان هیچ یک از وجوب‌ها در اینجا وجود نداشته باشد، خواه ناخواه باید قائل به عدم امکان وجوب شرعی شویم چون وجوب شرعی بالاخره در قالب یکی از این سه نوع می‌باشد.

ایشان می‌فرماید این وجوب یا نفسی یا طریقی یا غیری است و یک یک اینها را باید بررسی کرد.

اما وجوب نفسی:

اگر مراد از این وجوب شرعی در اینجا وجوب نفسی باشد یعنی «ما وجب لنفسه» مانند صلاة که وجوب آن نفسی است و وجوب غیری و طریقی نیست، در این صورت این خودش به یکی از دو ملاک می‌تواند واجب باشد:

اول: یا به ملاک وجوب تعلم احکام شرعیه است یعنی اگر گفته شده احتیاط یا تقلید یا اجتهاد واجب است، ملاک واجب شدن این سه مسئله لزوم تعلم و تفقه احکام شرعیه می‌باشد که این وجوب تعلم از ادله‌ای همچون «طلب العلم فریضة علی کل مسلم»^۳ یا آیه «فستلوا اهل الذکر إن کنتم لا تعلمون»^۴ استفاده شده است.

۲. التنیح، ج ۱، ص ۴-۲.

۳. وسائل، ج ۲۷، ص ۲۵، ابواب صفات قاضی، باب چهارم، حدیث ۱۵.

دوم: یا به ملاک مصلحت واقعیه‌ای است که در خود این امور وجود دارد و از این دو حال خارج نیست.

پس در مورد احتمال وجوب نفسی خودش دو صورت فرض می‌شود یکی اینکه ملاک این وجوب تعلم احکام است و دیگر اینکه ملاک این وجوب مصلحت واقعیه‌ای است که در این امور است که باعث بر ایجاب واقعی می‌شود. اما ملاک اول:

صورت اول این بود که وجوب نفسی به ملاک وجوب تعلم احکام شرعیه باشد.

اولاً: در این فرض ایشان می‌فرماید که مسئله اصلی این است که ما در جای خود ثابت کردیم که تعلم احکام واجب نفسی نیست بلکه طریق به سوی عمل است اگر به ما گفتند لازم است احکام را یاد بگیرید، صرفاً برای این است که طریق به سوی عمل باز شود. لذا ایشان این را واجب طریقی می‌دانند.

ثانیاً: سلمنا که تعلم وجوب نفسی داشته باشد آیا می‌توانیم این طرق سه گانه را به عنوان واجب نفسی بشناسیم و به عنوان وجوب نفسی تعلم اثبات وجوب برای آنها کنیم؟ اجتهاد و تقلید بر آن تعلم صدق می‌کند و می‌تواند به ملاک وجوب تعلم، واجب باشد چون یک نوع یادگیری تعلم است. ولی مشکل اصلی در مورد احتیاط است که آیا احتیاط می‌تواند واجب نفسی شود به ملاک وجوب نفسی تعلم؟ احتیاط تعلم مأمور به نیست بلکه حقیقتاً احتیاط اتیان به مأمور به و امتثال حکم است.

پس وجوب نفسی در احتیاط معنا ندارد، البته در مورد تقلید یک توضیحی می‌دهند از جهت اینکه در تقلید مبانی مختلف است، اگر ما چنانچه طبق تعریف مختار عمل بکنیم که عبارت است از استناد در عمل به فتوای غیر، که در اینجا باز وجوب نفسی معنا ندارد چون استناد در عمل به فتوای غیر صدق تعلم بر آن نمی‌کند ولی در تقلید چنانچه مبنای دیگر را بپذیریم که تقلید را تفسیر می‌کنند به تعلم فتوای مجتهد آن وقت در آن صورت نسبت به تقلید وجوب نفسی معنا دارد.

این در صورتی که ما بخواهیم برای این سه وجوب نفسی را ثابت کنیم به ملاک وجوب تعلم احکام که دو جواب دادند که اولاً به نظر ما تعلم احکام وجوب نفسی ندارد. ثانیاً بر فرض هم تعلم احکام وجوب نفسی داشته باشد از آنجایی که در تقلید بر مبنای مرحوم خوئی و در احتیاط بر مبنای همه وجوب نفسی معنا پیدا نمی‌کند لذا نمی‌توانیم به طور کلی ملتزم بشویم به اینکه اجتهاد و تقلید و احتیاط وجوب نفسی دارند.

اما ملاک دوم:

در صورتی که بگوییم این ابدال ثلاثه وجوب نفسی دارند و ملاک وجوب آن، مصلحت واقعیه‌ای است که در این طرق ثلاثه وجود دارد که باعث ایجاب واقعی اینها شده است، یعنی در تقلید و اجتهاد و احتیاط یک مصلحتی وجود دارد که به خاطر آن مصلحت شارع آمده حکم به وجوب شرعی این سه طریق کرده است، «الإجتهد أو التقلید أو الإحتیاط واجب»

^۴ نحل، آیه ۴۲.

شرعاً لوجود المصالح واقعیه فیها» مانند بقیه واجبات اگر نماز واجب است چرا واجب است؟ «لوجود المصلحة الواقعية فی الصلاة» اگر خمر حرام شده چرا حرام شده؟ «لوجود المفسده واقعیه فی الخمر» در اینجا می‌گوییم این ابدال واجب شده چون که یک مصلحت واقعیه‌ای در آنها هست که به خاطر آن واجب شده‌اند.

این سخن در صورتی صحیح است که وجوب شرعی این سه ثابت شده باشد؛ اگر وجوب شرعی چیزی ثابت بشود کشف مصلحتی واقعی در آن شیئی می‌کنیم. چرا می‌گوییم نماز یک مصلحت واقعیه دارد؟ از کجا پی به مصلحت واقعیه در نماز بردیم؟ چون واجب شده است، یعنی ما از راه وجوب شرعی کشف آن مصلحت واقعیه می‌کنیم. پس باید اول وجوب آن ثابت بشود تا ما بتوانیم کشف وجود یک مصلحت واقعیه بکنیم. حالا در مورد این سه اجتهاد و تقلید و احتیاط احتمال دارد در اینها یک مصالح واقعیه‌ای باشد که بخاطر آن مصالح واقعیه واجب شده باشند اما این اول الکلام است، یعنی اول باید ثابت شود اینها واجب شرعی هستند تا ما از این وجوب شرعی کشف کنیم وجود یک مصلحت واقعیه را در این سه تا مانند نماز.

البته بعضی‌ها در مورد تقلید قائلند به اینکه ما ادله شرعی بر وجوب تقلید داریم اما اجمالاً در مورد این سه می‌گویند ما دلیل شرعی نداریم، خوب وقتی وجوب شرعی این سه ثابت نشود آیا می‌توانیم ادعا کنیم اینها واجب شرعاً به ملاک وجود مصلحت واقعیه‌ای که در این سه وجود دارد آیا می‌توان این ادعا را کرد؟ خیر نمی‌شود.

نتیجه:

بنابراین محصل کلام ایشان این شد که اگر مراد از وجوب شرعی اجتهاد و تقلید و احتیاط وجوب نفسی باشد دو صورت دارد یا به ملاک وجوب تعلم احکام است که این احتمال دارای دو مشکل است یعنی دو اشکال ایشان بر آن وارد کرده‌اند که اولاً وجوب تعلم از نظر ما وجوب نفسی نیست و ثانیاً سلمنا که وجوب نفسی باشد این نسبت به احتیاط و نسبت به تقلید بر مبنای ایشان انطباق ندارد. و چنانچه به ملاک وجود مصلحت واقعیه باشد هذا اول الکلام است این فرع ثبوت حکم شرعی است در حالی که ما در مورد اصل آن داریم بحث می‌کنیم.

بحث جلسه آینده: اما اگر مراد وجوب طریقی باشد یعنی بگوییم «الإجتهد و التقلید و الإحتیاط واجباً شرعاً بالوجوب الطریقی» که در این باره بحث خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»